

من يرد الله به خير ا يفقهه
في الدين.

(حديث شريف)

"کسی که خداوند بهوی اراده خیر فرماید
اور ا در امور دین داشمند می سازد"

فقه

اسلامی

رَبِّ اشْرَخِي صَدْرِي ○
وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عَقْدَةً
مِنْ لَّسَانِي ○ يَفْقِهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه کوهه !
او زما امر (درسالت) را ته آسان کوهه ! او زما
له زی خخه غوته پرانیزه ! چې (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهیرو."

ما رج 2016

جمادی الاول 1437

شماره دو صد و بیست و سوم

مسائل فقهی در باب حج

پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت جواب میدهد :

1 - کسیکه خانه خریده و قسط می پردازد حج کرده می تواند ؟

2 - از پول کمکی که ماهانه شخص می گیرد حج کرده می تواند ؟

1 - فریضه حج رکن پنجم اسلام در نصوص قرآن کریم و احادیث قولی و فعلی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ثابت گردیده ، خداوند (عز و جل) در آیه کریمه (97) سوره آل عمران میفرماید : { وَ اللّٰهُ عَلٰى النّٰسِ حِجَّةُ الْبَيْتِ مَنْ أَسْطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا * وَ حِجَّةُ الْمَرْدُومِ وَ كَسَانِيَكَه توان رسیدن به آن را داشته باشند فرض الهی است } .

از رسول الله صلی الله علیه وسلم مفهوم کلمه (سبیل) و مراد (استطاعت سبیل) پرسیده شد ، فرمودند : (الزاد والراحله - زاد و راحله) کلمه راحله کنایه از مصارف رفت و آمد سفر (هوائی ، بحری ، زمینی) از محل اقامت حاج تا مکة مکرمه و بازگشت از آن ، و کلمه زاد عبارت از تمام مصارف اقامت و کرایه منزل و انتقالات در خلال مدت مسافت به منظور ادائی حج است .

توانائی بزاد و راحله مشروط به آنست که قاصد حج تمام مصارف و احتياجات اساسی فامیل خود را با مصارف ضروری مربوط به کار و بزنس و اسباب و لوازم زندگی خود و فامیلش تأمین نموده باشد و در مدت سفر تا عودت به منزل و

در باب حج /

= 4,25 ضرب 20 = 85 گرام - وزن یک درهم = 2 گرام
ضرب 200 = 595 گرام) .

زکات دارای نقدی به همین معیار محاسبه میگردد و مقدار زکا ت 5 ، 2 فیصل بعد از رسیدن به نصاب بر علاوه احتیاجات اصلی یکساله و ادائی دیون می باشد ، البته نصاب زکات در مواشی و حیوانات و تولیدات زراعتی فرق میکند و شرح آن در کتب فقهی مذاهب مختلفه اسلامی وجود دارد .

قرض و دین که در حج و زکات هردو مانع وجوب میگردد ، دو نوع قرض و دین است ، یکی معجل و دیگر مؤجل ، نظر عمومی فقهاء درآنست که هردو نوع قرض و دین مانع زکات و حج می باشد و تا وقتیکه شخص دین فوری یا مهلت دار خود را ادا نکرده باشد و لو در زکات بالاتر از نصاب و در حج بالاتر از زاد و راحله داشته باشد زکات و حج بروی فرض نیست .

اما برخی از فقهاء میان دین معجل و مؤجل فرق می گذارند و دین مؤجل را به قیاس مهر مؤجل در عقد نکاح مانع زکات نمیدانند (یکی از دو نظر امام شافعی ، رحمة الله عليه ، مذهب امام احمد بن حنبل ، رحمة الله عليه ، المغنی ، ابن قدامه جلد 3) .

به ارتباط حج امکان قیاس آن به زکات در عدم ممانعت وجوب حج به سبب دین مؤجل وجود دارد ، و علاوه برآن در مذهب حنفی ذکر شده است که : شخص مدیون نباید بمنظور حج سفر کند مگر در صورتیکه دائن و یا کفیل دائن و یا هردو بوعی اجازه سفر بدنهند و سفر او را خطر از بین رفتن دین و یا به ضرر دین ندانند ، در آنصورت اجازه دارد که با وجود مدیون بودن به حج سفر کند و وجود دین با اجازه دائن مانع وجوب حج نمی شود (فتح القدير ، کتاب الحج جلد 2) .

اکنون در روشنی این بحث سؤال (کسیکه خانه خریده و قسط می پردازد ، حج کرده می تواند ؟) قابل طرح است و میتوان پاسخ آنرا جستجو نمود :

خرید خانه به اقساط طولانی در حالیکه معامله با قرض گفته می شود و صاحب خانه مدیون است ، اما این دین با دیون معجل و مؤجل در معاملات مدنی و تجاری سابق فرق دارد ،

دائن در معاملات خرید منزل غالباً بانک است و بانک قبل از معامله قرض امکانات تادیه اقساط را با کریدت خریدار خانه تحقیق می کند و ازین لحاظ مطمئن می شود ، و نیز مدت اقساط چنین قرضه ها به سالهای متتمادی تا حدود سی سال میرسد و عواقب تأخیر اقساط و یا عدم امکان تادیه اقساط نیز در قوانین و مقررات و قرارداد های مربوط تنظیم شده است . چنین معامله قرض بیرون از چوکات مقررات و قرارداد هیچگاه مانع تصرفات حقوقی و آزادی مدنی شخص مدیون نمی شود و معقول نیست که مدیون در خلال سی سال سفر نکند و وجایب دینی و مدنی او کاملاً وابسته به همین قرضه باشد .

شخص که خانه خریده و قسط می پردازد به ارتباط زکات ، اقساط یکساله این قرضه ضم احتیاجات و ضرورت های اساسی سالانه او شده و مقدار نصاب زکات بر علاوه این اقساط محاسبه میگردد ، و چون زکات دارای نقدی یک وجیه دینی سالانه است اقساط یک سال از استحقاق زکات خارج شده و در متنباقی دارای اضافی در صورت رسیدن به نصاب و گذشتن یک سال زکات میدهد .

به ارتباط حج شخص مدیون به قرضه خانه می تواند اقساط مربوط به مدت رفت و آمد سفر حج و تنظیم امور مالی و اقتصادی خود را قبل از تأمین زاد و راحله حج ضم احتیاجات اصلی و ضرورت های اقتصادی خود بسازد ، و هر گاه بر علاوه آن ، زاد و راحله (مصارف حج) میسر گردد و سفر حج موجب تأخیر اقساط و اخلال ضرورت های اقتصادی در همان مدت حج و در خلال همان سال معین نگردد ، شخص می تواند فریضه حج را ادا نماید و چنانکه در مورد زکات گفته شد تادیه این اقساط باید تا مدت سی سال یا کمتر و زیادتر مانع سفر و وجایب دینی و مدنی شخص گردد .

2 - از پول کمکی که ماهانه شخص می گیرد حج می تواند ؟

پول کمکی که به صورت ماهانه مطابق قوانین توزیع میگردد مانند معاش تقاضی و برخی از امتیازات مادی ، از قبیل (کمک از مؤسسات اجتماعی دولتی) بعد از

استاد عبدالله سمندر غوریانی

الصرف أَمُّ الْعِلُوم

وَالنُّحُوُّ أَبُوهَا

علم صرف مادر علوم و علم نحو پدر علوم است اینکه علم صرف مادر علوم و علم نحو پدر علوم است . این با خاطر آنکه علم صرف ، زبان (گفتاری) و علم نحو زبان (ساختاری) است و همه (گفتار های) ما تابع یک (ساختار هائی) است که از آن تبعیت میکنند . نقد نویس محترم در صفحه (14) (پاسخ بررساله همزیستی) تحت عنوان فرعی (مسأله پسر خدا) می نویسند : (برای توجیه عقائد مسیحیان و یهودیان از مبتدأ و خبر و ترکیب صفت و موصوف و پیش فرض و مقدم و تالی جز در ارتباط به آیات ، به تفصیل صحبت شده . و بدرازا کشیده شده است ، از پاسخ به این مطالب میگذاریم ولی سؤال اصلی این است که از صدر اسلام تا کنون ، آیا اینهمه مفسرین و محققین بزرگ و دانشمندان علوم دینی از مبتدأ و خبر و پیش فرض و پس فرض در رابطه به آیات و الفاظ قرآن کریم از آن بی خبر بوده اند که در تفاسیر آیات از آن استفاده نکرده اند ، چنانکه امروز مؤلفان این رساله از آن استفاده می کنند .

آیا این مسائل تازه کشف شده ، باید خاطر نشان نمود که ؛ همین اصطلاحات با تعاریف آن که در صفحه (20) این رساله آمده است از پیشنهاد به ما به میراث رسیده و ما ریزه خوار دانش آنها هستیم .

سؤال اساسی این است که توزیع میراث میان ورثه ، از خود ضوابط و قواعد خاص به خود را دارد و از همین لحاظ هم هست که از علوم تخصصی است چون تمام این علم از سه آیت از قرآن کریم استخراج و استنباط شده است .

میراث در مرحله اول و مقدمت از همه به ذوی الفروض میرسد و اگر چیزی باقی ماند ، به ذوی الأرحام و اما عصبات از میراث محروم می مانند مخصوصاً عصباتی که ملبس به عصیت به تعییر (ابن خلدونی) آن باشند و شما میتوانید نمونه آنرا درین شعر عربی بخوانید :

أَلَّا يَجْهَلُنَا أَحَدٌ عَلَيْنَا

فَنَجْهَلُ فُوقَ جَهَلِ الْجَاهِلِينَا

در باب حج /

قبض آن توسط شخص در ملکیت او داخل می شود و مالک صلاحیت تصرف کامل را در آن میابد (در صورتیکه کمک مشروع و مطابق استحقاق بdst آمده باشد و مال حرام گفته نشود) ، اگر این مبلغ مناسب به احتیاجات اساسی شخص و فامیل او باشد و فقط زندگانی اقتصادی او را تکافو نماید در آنصورت نه زکات و نه حج هیچکدام بروی فرض نیست ، اما اگر این مبلغ با عوائد دیگری که شخص از طریق کار و غیره دارد از سطح ضرورت و احتیاج اصلی و فامیلی او اضافه تر گردد ، در صورتیکه مبلغ اضافی به نصاب زکات برسد و یکسال برآن بگذرد و یا مبلغ اضافی زائد از احتیاج زاد و راحله حج را به آسانی تأمین نماید در آنصورت هم زکات و هم حج لازم میگردد .

3 - شخصی که یک مقدار پول دارد و کار کرده نمیتواند و از پول خود حاصل نمی گیرد ، زکات بدهد یا خیر ؟

شخصی که یک اندازه پول دارد (البته باید حلال باشد چه در پول حرام زکات نیست) در حالیکه در شرایط زکات خصوصیت افزایش اموال در نظر گرفته شده و اگر مال قابلیت افزایش را داشته باشد و لوکه افزوده نیابد شامل اموال زکات میگردد ، امامقدار پول باید دیده شود که بچه اندازه است . آیا در سطح تکافوی زندگانی اقتصادی یکساله شخص و فامیل او است یا بالاتر از آن ، هر گاه در حدود ضروریات و احتیاجات یکساله باشد و بالاتر از آن تا حد نصاب اضافه نگردد ، در آنصورت زکات واجب نمیشود ،

اما این مقدار پول بحدی باشد که تمام ضرورت یکساله را تکافو کند و مقدار اضافی به نصاب زکات برسد و یکسال هم بدون احتیاج برآن بگذرد ، در آنصورت زکات لازم می گردد .
وَاللَّهُ أَعْلَمُ وَهُوَ الْمُسْتَعَنُ

یا داشت : از آنجا که این مطالعات فقهی در چوکات فقه وقایع معاصر ، در روشنی قواعد و اهداف فقهی اسلامی صورت می گیرد و مثال های این وقایع معاصر در ذخائر فقهی گذشته ذکر نشده است ، امید که دانشمندان و مجتمع فقهی تحقیقات بیشتر نمایند و احکام روشنی در مسائل معاصر صادر گردد .

وَمِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ

عبدالستار سیرت

الصرف أَمُّ الْعِلُوم /

أَذَا بَلَغَ النَّطَامُ لِتَاصْبِيٍّ

تَخْرِلَهُ الْجَابِرُ سَاجِدِينَا

وَبَازْ مَقْوَلَهُ دِيْگَرُ عَرَبِيٍّ اسْتَكَهُ مِيْكُوِيدُ :

وَفِي الْأَرْضِ مِنْ كَأْيِنَ الْكَرَامِ نَصِيبُ

حَافِظُهُ دَرْ هَمِينَ زَمِينَهُ شَعْرِيٍّ دَارَدَ كَهُ مِيْكُوِيدُ :

اَگْرُ شَرَابُ خُورِيٍّ جَرَعَهُ فَشَانَ بَرَ خَاكَ

اَز آَنَ گَناهَ كَهُ نَفعِيٍّ رَسَدَ بَهُ غَيْرِ چَهَ باَكَ

است که (بن) وصف است و موصوف آن (هو معبدنا) و
یا (هو معبدنا) است. ناقد محترم که آیه (30) سوره (9)
را به قریحة آزمائی گذاشته اند ، در صفحه (6)
شماره یکصد و سی هشتم مجله فقه اسلامی ، مارچ
2009 تنها به ترجمه ترکیب مبتدأ و خبر آیه مذکور
اکتفا و بستنده کرده و از ترکیب صفت و موصوف آیه
چیزی نگفته اند.

با ملاحظه تفسیر زمخشri از آیه (30) سوره (توبه)
شماره (9) عمدتاً دو اصطلاح مهم مبتدأ و خبر و صفت
و موصوف در علم صرف و نحو را فرا چنگ آورده‌یم و چون
هر علم زبان خاص به خود را دارد ، به هر دو اصطلاح در
علم معانی (مسند) و (مسند الیه) و در علم منطق به
آنها (موضوع) و (محمول) می‌گویند و جای عجیب هم
نیست اگر از فقهاء و اصول فقه صحبت کنیم ، (ابن
عبادین) بنقل از (تلویح بر توضیح) می‌گوید که هر
ترکیب خبری که احتمال صدق و کذب را دارد ، از
رهگذر اینکه مشتمل بر حکم است ، آنرا قضیه می
گویند و از جهت اینکه احتمال صدق و کذب را دارد ،
آنرا (خبر) می‌گویند و از لحاظ اینکه در امر ثبوت و
اثبات آن دلیل مطالبه می‌کنند (مطلوب) می‌گویند و
چون با استدلال و دلیل حاصل می‌شود ، به آن (نتیجه)
می‌گویند و از لحاظ آنکه مورد پرسش و سؤال قرار
می‌گیرد ، به آن (مساله) می‌گویند و این تفاوت عبارات
 بواسطه تفاوت اعتبارات است. (ابن عبادین) مجلد اول
صفحه 172 چاپ لبنان طبع اول. سال 1998.

درینجا بحث بر سر این نیست که پیشینیان ما عقائد و
باور های اهل کتاب را چگونه تخصه می کردند و یا
چگونه توanstه اند و یا نه توanstه اند زمینه های توطئه
برای توجیه عقائد یهودیان و مسیحیان را خنثی بسازند
و چه وسیله در اختیار داشته اند ؟ پاسخ به این همه
چگونه ها و چراها این است و جز این نیست که از خود
همین آیات و از صرف و نحو آنها و سائر ویژگیهای زبان
عربی که پیش از اسلام و دوره جاهلیت ، اساسات آن
شناخته شده بوده و حتی در پاره از موارد ، از همان سبک
و سیاق رائق در دوره جاهلیت و از نظم و نثر آن در دروغ
اسلام فراوان استفاده می برده اند.

این مشکلی نیست که اگر عصبات از اصل میراث محروم و
بی نصیب میمانند . چون همانطور که خود گفته اید ، ما
ریزخوار خوان کرم شان هستیم چونکه قرآن کریم (و لله المثل
الأعلى) می‌گوید (و أَذَا حَضَرَ أَهْلُ الْقَرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ
الْمَسَاكِينَ فَارْزَقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قُولاً مَعْرُوفًا « آیه : 8
سوره النساء شماره 4) (وقتیکه حاضر شدند (سر) تقسیم
میراث) صاحبان قرابت و یتیمان و مساکین ، پس روزی
دهید ایشان را از همان میراث (قبل از تقسیم) و سخن
پسندیده بگوئید ایشانرا (آیه 8 سوره نساء ، شماره 4).

اینکه ما را به میراث گذشته دینی و فرهنگی ما رجعت
میدهید ممنون تان ! میراث فرهنگی باید دو خصوصیت
داشته باشد (یک) اصالت داشته باشد (دو) تجدید .
صالحت در اصول فقه (بقاء ما کان علی ما کان) و تجدید ،
همان (مصالح مرسله) است . اصالت معطوف به گذشته
و تجدید ناظر به آینده است . بیانیم با هم به سراغ یکی از
گذشته‌گان فرهنگ خود برویم که در مصطلحات علوم قرآنی
وقوف کامل دارد که عبارت از زمخشri است که در تفسیر
کشاف ، راجع به آیه (30) سوره توبه شماره (9) تعبیراتی
دارد که مثل همیشه خواندنی است. و ما بخش اول آیه مبارکه
را می‌اوریم : (و قَالَ الْيَهُودُ عَزِيزُ بْنُ اللَّهِ وَ قَالَ النَّصَارَى
الْمَسِيحُ بْنُ اللَّهِ) عزیز بن الله مبتدأ و خبر است آنطور که
المسيح بن الله مبتدأ و خبر است. عزیز اسم عجمی است به
مانند عازر و عزار در و عزائل از لحاظ عجمی بودن و
معرف (معروفه) بودن خود ، غیر منصرف است (الف و لام و
تنوین را قبول نمی کند) کسانی که آنرا به تنوین خوانده اند ،
آنرا عربی گردانیده اند و کسیکه آنرا به سکون تنوین گفته ،
بنابر قرائت (أَحَدُ اللَّهِ) در (قل هو الله احد الله) است و یا این

۲) مجلس از مؤسسات و مراکز اسلامی و تمام مسلمانان در اروپا را تشکر میکند که از مهاجرین استقبال نمودند و بدین ترتیب مبادی برادری و نصرت انسانی را عملاً تمثیل کردند.

۳) مجلس از مؤسسات غیر اسلامی در اروپا و ادارات کلیسا ها و جامعه مدنی اروپا که دروازه های شان را بروی مهاجرین باز کردند تشکر میکند.

۴) مجلس جامعه جهانی را متوجه مسئولیات های شان می نماید و از جامعه جهانی دعوت می نماید تا جلو قتل مردم بی گناه را هر چه زود تر بگیرد و زمینه حل سیاسی را آماده سازد تا قتل و فساد در روی زمین خاتمه یابد.

۵) مجلس از تمام کشور های عربی و اسلامی که مهاجرین را استقبال نمودند تشکر میکند. مجلس از کشورهای اسلامی دعوت میکند تا نقش فعال را در حل مشکلات سوریه و مناطق دیگر جدی گرفته و مظلومین را انصاف نمایند.

۶) مجلس از تمام مسلمانان در اروپا دعوت میکند تا مهاجرین را بدون در نظر داشت دین و مذهب و قومیت کمک نمایند.

۷) مجلس از تمام مسلمانان دعوت میکند تا اطفال مهاجر را کفالت نمایند و هر خانواده به قدر استطاعت خود اطفال را تحت رعایت بگیرند و راه های کفالت بسیار زیاد است. همچنان مجلس از مؤسسات و مراکز اسلامی دعوت بعمل می آورد تا مسلمانان را بیشتر متوجه این واجب شان سازند.

۸) مجلس از تمام خطباء و امامان در اروپا دعوت می کند تا قضیه مهاجرین در مقدمه تمام خطبه ها و بیانات شان باشد و مسلمانان را متوجه واجبات شان نمایند.

۹) مجلس از تمام مهاجرین دعوت بعمل می آورد تا قوانین کشوری که در آنجا آمده اند احترام نمایند و فرهنگ و ثقافت مردم را به نظر تقدیر و احترام بینند.

{ از تمام خواهران و برادران عزیز که در اروپا سکونت دارند دعوت می نمائیم تا وظیفه خود را در قبال مهاجرین انجام دهند .}

الأشرف أم العلوم /

اینکه میگویند (ألا سلام یهدم ما قبله) این راست است و درست که اسلام حساب گذشته را پاک میکند و ما قبل خود را منهدم میسازد اما هیچگاه صرف و نحو و گرامر زبان را تغییر نمیدهد و حتی غنا مند تر هم میسازد. مسلمان معاصر که با مکتب های زبانشناسی عصر خود آشنائی دارد، پس از فراغت بحث های کلامی در مکتب تشیع و قدریه، در بصر و کوفه، باری هم اگر زبانشناس معاصر عرب به یونیورستی آکسفورد و کمبریج زمان بر تراند راسل و جی، اچ، مور، سیر و سیاحت فرهنگی خود را آغاز کند به یقین د رخواه دیافت که مکتب کمبریج همتای مدرسه بصره و مکتب آکسفورد خواهر رضاعی مدرسه کوفه است. باید توجه بفرمایند که ویژگیهای زبان عربی هم اصالت دارد وهم قابلیت تجدید را دارد. ادامه دارد /

پیام المجلس الأوروبي للإفتاء والبحوث به خصوص

پناهندگان

الحمد لله رب العالمين ، و الصلاة و السلام على المبعوث رحمة للعالمين ، و على إخوانه من الأنبياء والمرسلين ، و على آله وصحبه أجمعين

مجلس افتاء و بحوث اروپا با پریشانی اوضاع پناهندگان را درجهان مطالعه نمود و معلوم است که 57 میلیون مهاجر شده اند و این بزرگترین عدد مهاجرین بعد از جنگ جهانی دوم میباشد . هزارها مهاجر از سوریه و دیگر کشورها برای حفظ جان خود و خانواده های شان به اروپا فرار کردند . در سال 2015 یک و نیم میلیون به اروپا مهاجرت نمودند. 50 هزار بدون والدین خود و نصف مهاجرین را اطفال زیر سن 18 تشکیل میدهد .

مجلس دارالافتاء در اروپا مردم را وصیت میکند :

۱) مجلس از تمام کشورهای که مهاجرین را استقبال می نمایند تشکر میکند و در مقدمه این کشور ها از حکومت و مردم المان و اطربیش و ایتالیا و یونان و سویڈن و دیگر کشور های اسکنندناوی و همچنان ترکیه تشکر می شود .

زندگینامه مختصر پروفیسور محمد حمید الله

در این چاپ (کتاب سیرت نبوی، درس‌ها و اندرزها)، جهت استفاده خوانندگان محترم، متن کامل خطبه حجۃ الوداع، از کتاب «السیرة النبویة» ابن هشام، متوفای سال 218 هجری قمری و همچنان کتاب ارزشمند «نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص)» نوشته پروفیسور محمد حمید‌الله دانشمند مشهور هندوستانی اقتباس شده است.

در اینجا لازم می‌دانم، پروفیسور محمد حمید‌الله را که یکی از عجایب روزگار ما بود، به خوانندگان گرامی طور مختصر معرفی دارم تا با یک تن از مفاخر جهان اسلام آشنا شوند.

پروفیسور دکتور محمد حمید‌الله فرزند الحاج ابو محمد خلیل‌الله در 19 فبروری 1908 م در روستای فیلخانه، حیدرآباد «دکن» در سرزمین پهناور هند، در یک خانواده دانشمند و پارسا تولد یافت، دروس ابتدایی را در دارالعلوم حیدرآباد و عالی را در دانشگاه عثمانی، حیدرآباد فراگرفت، سپس در سال 1930 م رهسپار آلمان شد و از دانشگاه «بن» دکتورای نخستین خویش را در موضوع روابط بین‌المللی اسلام اخذ کرد. سپس به خاطر تدریس و تحقیق به انگلستان سفر کرد و بعد از مدتی رهسپار فرانسه شد و از دانشگاه «سوربن» دو مین دکتورایش را به دست آورد؛ تیزیس دکتورایش، کتاب ارزشمند «مجموعه وثائقی سیاسی عهد پیامبر و خلفای راشدین»، بود که در ایران به نام «نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) ترجمه شده است. بیست و چند زبان یاد داشت که روسی، ایتالیایی، اندونزیایی و ترکی از آن جمله‌اند. زبان تایلندی را، بعد از هشتاد سالگی فراگرفت. و به هفت زبان زنده، جهان: عربی، فارسی، آلمانی، فرانسه، اردو، ترکی و انگلیس، ادامه ص 8

استاد فضل الرحمن فاضل سفیر کبیر افغانستان در قاهره

برادر ارجمند آقای فضل غنی مجددی، از مدتها باینسو یک نسخه از نشریه وزین و سودمند «فقه اسلامی» را به صورت منظم به آدرس اینجانب می‌فرستند و من سرپا آن را مطالعه نموده و از محتویات سودمند آن بهره می‌برم و در شماره تازه این نشریه وزین (جنوری 2016 م) ادامه نوشته استاد بزرگوارم دانشمند محترم دکتور عبدالستار سیرت را که در پاسخ یک تن از هموطنان راجع به ترجمه نام گیاهان در قرآن کریم نوشته‌اند، مطالعه کردم که مانند درس‌های سی و چند سال قبل ایشان- که شرف شاگردی شان را در سرزمین فرودگاه وحی داشتم- از آن بهره می‌بردم، از این نوشته شان نیز استفاده و استفاده کردم. استاد بزرگوار در پایان نبیشه شان از ملاقات شان با شادروان پروفیسور محمد حمید‌الله یاد آور شده افزوده‌اند: «نام این عالم فرزانه باید به احترام یاد شود و اگر مؤلف محترم ایشان را نشناشند از جناب دکتور روان فرهادی که از مجالس علمی آن استاد دانشمند در پاریس استفاده کرده‌اند، بپرسند تا مقام علمی مرحوم پروفیسور حمید‌الله را معرفی نمایند» ص 8 شماره 221 نشریه فقه اسلامی (جنوری 2016 م).

این اشاره استاد بزرگوار داکتر صاحب سیرت مرا برآن داشت تا مختصر زندگینامه پروفیسور محمد حمید‌الله را که در یکی از پیوشت‌های چاپ دوازدهم ترجمه کتاب «سیرت نبوی، درس‌ها و اندرزها» چند سال قبل افزوده بودم، به نشریه «فقه اسلامی» بفرستم تا در صورتی که مناسب انگارند و صفحات نشریه شان اجازه دهد، زندگینامه این دانشمند بزرگ را جهت استفاده خوانندگان و آشنایی ایشان با یک شخصیت فکری و فرهنگی جهان اسلام، به نشر رسانده، پیش‌اپیش از ایشان سپاسگزاری می‌کنم.

علمای کرام آنرا منع نمی کنند و عدم منع علماء اجماع را معنی میدهد . مهم این است که که نباید صاحبان منازل و هوتل ها از فرصت حج استفاده سوء نمایند و کرایه را چند مرتبه بلند برده از موسم حج استفاده شود و این استفاده جوئی جواز ندارد زیرا برای مردم مشکلات را می آورد . بالای تمام مسلمانان واجب است تا مناسبت حج را آسان سازند و از ضرورت و احتیاج حجاج برای اقامت در منازل و هوتل ها سوء استفاده نشود و مسلمانان برادر یکدیگر اند و یکدیگر خود را حمایت و کمک می نمایند .

آیا صحت دارد که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند که «نصف دین خود را از عائشه رضی الله عنها بگیرید» .

روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند : «خذدوا شطر دینکم عن حمیراء» در مورد این روایت الحافظ بن حجر می گوید : نسبت به این حدیث سند ندیده ام و همچنان در کتب حدیث ذکر نشده است و فقط ابن الأثیر در کتاب خود بنام «النهاية» آنرا بدون ذکر روای آورده است . الحافظ عماد الدین می گوید که از المزی و الذہبی راجع به این روایت سؤال کردم گفتند ما این حدیث را ندیده و نمی شناسیم .

اگر این روایت را از ناحیه متن و موضوع بحث نمائیم ، عقل و واقعیت آنرا نفی و رد میکند .

الف) چطور رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را امر میکند تا نصف دین خود را تنها از حمیراء (عائشة) بگیریم ؟ و از دیگر صحابه چه مقدار را بگیریم ؟ و کدام نصف دین را بگیریم ؟ و کدام نصف را بگذاریم ؟

ب) کلمه «الحمیراء» تصحیح کلمه (حرماء) است و از جمله کلماتی است که برای نازدانگی استفاده

سؤال : نسبت مشکلات سفر و ازدحام در مکه مکرمه نتوانستم طواف وداع را نمائیم . آیا حج من صحیح است در این مورد نظر مذاهب چهارگانه چیست ؟

دکتور یوسف القرضاوی جواب میدهد
الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله و على آله و صحبه ومن ولاده وبعد ...
در این مسأله مذاهب با هم اختلاف دارند و اما در آنچه همه مذاهب با هم اتفاق دارند این است که طواف وداع از جمله اركان حج نیست .

ارکان حج عبارت از طواف افاضه و طواف قدوم برای عمره اگر تمتع باشد است . بخاطر اینکه عمره عبارت از طواف و سعی و تراشیدن مو یا قیچی کردن آن میباشد . طواف قدوم نسبت به عمره رکن است . طواف افاضه روز نحر و بعد از آن طواف به بیت الله عتیق از جمله اركان حج است . اما طواف وداع یا واجب است و یا هم سنت و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای زنی که حامله بود اجازه داد تا بدون طواف وداع سفر کند به دلیل اینکه طواف وداع امر اساسی برای حج نیست . اگر ازدحام شدید باشد مثلیکه در سؤال آمده در این حالت حاجی عذر دارد و حج او صحیح است إن شاء الله .

بعضی فقهاء باین نظر اند منازل اطراف مکه مکرمه به اجاره داده نمی شود . در شماره گذشته همین مطلب را استاد عبدالبصیر صهیب صدیقی از جرمنی نیز ترجمه نموده بودند .

دکتور یوسف القرضاوی در موضوع این جواب را میدهد :

عده می گویند که اطراف مکه اجاره داده نمیشود اما عده زیادی از فقهاء باین نظر هستند که اجاره دادن خانه های اطراف مکه مکرمه جواز دارد و از قدیم الزمان ، از قرنها مردم خانه های اطراف مکه را به اجاره می دادند ، و امروز در اطراف مکه مکرمه خانه ها و مسافر خانه ها و هوتل ها اعمار شده و همه برای اجاره میباشد و

زندگینامه داکتر حمیدالله /

آثار مهمی از وی به جا مانده است. میراث فکری پروفیسور محمد حمیدالله بیش از 170 کتاب و صد ها مقاله‌ء پژوهشی است. این کتاب‌ها شامل تالیف و تحقیق و برخی متون و نسخ کهن خطی نیز است و از کار‌های ماندگارش ترجمه قرآن کریم به زبان فرانسوی و تحقیق گسترده در مورد سیرت پیامبر اکرم-صلی الله علیه وسلم- است. پروفیسور محمد حمیدالله سخت دالداده ء فقه حنفی بود و کتاب هایی هم در زمینه فقه حنفی تالیف کرده است. او مردی بود زاهد و متواضع و بی توجه به مال و ثروت دنیاگی. وقتی که جایزه بین المللی سیرت را از طرف جنرال ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان دریافت داشت آن را به موسسه تحقیقات اسلام آباد اهدا کرد. او زمانی که برای «جایزه بین المللی ملک فیصل در راه خدمت به اسلام» نامزد شد ، از پذیرفتن آن امتناع به عمل آورد و گفت کارهای خیر مرآ با این متعاهای مادی نیالاید ، من بدون چشم داشتم ، این کارها را انجام داده ام. او تأهل اختیار نکرد و تا سال‌های اخیر عمر ، در آپارتمان کرایی محرقی در پاریس ، بدون کدام خدمتگار زندگی کرد . عشقش مطالعه بود و پژوهش و نوشتمن و تا آخر ، ازدواج نکرد و مجرد زیست. سپس بعد از ۹۴ سال عمر پر بار و پر برکت به تاریخ ۱۷ دسمبر سال ۲۰۰۲ م در ایالات متحده امریکا وفات ثافت. إنا لله و إنا إليه راجعون. بهشت برین ، جایگاه او باد !

آدرس فقه اسلامی
*Mogaddedi Fazl Ghani
 201 Washington Blvd # 104
 Fremont , ca 94539
 U.S.A
 Tel (510) 979 - 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com*

نصف دین را از عائشه بگیرید /

میشود و جواز دارد که نبی الله صلی الله علیه وسلم در گفتار خاص خود با زنان خود از آن استفاده نمایند و ممکن نیست در مقام تعلیم و ارشاد امت از آن استفاده نمایند.

در واقع علمای اسلام از عائشه نصف دین و ربیع دین و یک بر دهم دین را نگرفته اند (نه از جهت روایت و نه هم از جهت درایت).

از جانب روایت هزار ها صحابه (زنان و مردان) در تبلیغ گفتار و افعال و احکام رسول الله صلی الله علیه وسلم سهم داشتند و عائشه رضی الله عنها یکی از ایشان است و در روایت حدیث و اقوال رسول اکرم عائشه رضی الله عنها به درجه أبو هریره نمی رسد .

از جهت درایت و فقه و فتوی نه عقل و نه هم واقعیت های تاریخی این روایت را قبول می کند که عائشه تنها به نصف دین اختصاص دارد. اگر نصف دین ارتباط به عائشه داشته باشد ، پس نصیب دیگر صحابه مثل ابوبکر و عمرو علی و ابن مسعود و ابی کعب و معاذ و زید بن ثابت و دیگر صحابه مثل عبدالله بن عمر و عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر و دیگران چه مقدار خواهد بود.

در مورد احادیث فضائل باید بسیار دقیق و الحافظ می گوید در احادیث فضائل و خصوصاً فضائل اشخاص طرفداران و مخالفین از غلو و افراط کار گرفته اند خصوصاً آنچه به عائشه رضی الله عنها تعلق دارد.

در قرآن کریم در سوره النور و سنن صحیح و حسن در باب فضائل بی بی عائشه زیاد است و برای مسلمانان این کفایت میکند و نباید به احادیث که در آن غلو و افراط باشد توجه داشت ، خصوصاً روایاتی که عقل و واقعیت آنرا قبول کرده نمی تواند . ابن الجوزی در مقدمه کتاب خود (الموضوعات) می نویسد (ما احسن قول القائل) : هر حدیث که مخالف عقل و متناقض با اصول باشد آن موضوعی است .
 والله أعلم / دکتور یوسف القرضاوی